

تبیین روان شناختی سیادت کودک در هفت سال اول زندگی

فاطمه زهرا فرحات^۱، مریم رسول نژاد^۲

چکیده

دوران کودکی که در آموزه‌های اسلامی دوره سیادت و سروری نامیده شده است مرحله‌ای طلایی در زندگی فرزندان خردسال محسوب می‌شود. در این سال‌ها خانواده می‌تواند سیستمی از ارزش‌ها و اخلاقیات اسلامی را در نهاد و وجود فرزندان خود بکارد. باتوجه به اهمیت این دوره مهم نوشتار حاضر تبیین روان‌شناختی سیادت کودک در هفت‌سال اول را از دیدگاه پیامبر ﷺ، ائمه علیهم‌السلام، علمای مسلمان و روان‌شناسان به‌روش توصیفی-تحلیلی بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که دوره سیادت ویژگی‌های خاص و دقیقی دارد که باید به آن بسیار توجه کرد و کودک در این دوره سنی، نیازهای اساسی و حساس بسیاری دارد که باید برطرف و تأمین شود تا از نظر روانی سالم بماند و تربیت و پرورش وی از مسیر صحیح و مستقیم خود منحرف نشود. نیاز به آزادی، بازی، محبت، احترام و تکریم، استقلال، امنیت، تجارب جدید و ارضای حس کنجکاوی و تشویق از نیازهای مهم و حساس این مرحله است.

واژگان کلیدی: سیادت، تربیت، کودک، آزادی، بازی.

۱. مقدمه

انسان، ترکیبی از استعدادها و قوای جسمانی و روحی است که برای رسیدن به کمال باید رشد یابد. خداوند در قرآن می‌فرماید: «اوست خدایی که در میان مردم بی‌سواد پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را (از آلودگی‌های فکری و روحی) پاکشان کند و به

۱. کارشناسی رشته علوم تربیتی، از کشور لبنان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: fatmhzrafrhat@gmail.com

۲. مربی گروه علوم تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی‌العالمیه، قم، ایران.

Email: m.rasoolnejad57@yahoo.com

ORCID: 0009-0004-1226-9880

آنان کتاب و حکمت بیاموزد» (جمعه: ۲). این آیه مهمترین و برجسته‌ترین وظیفه پیامبر ﷺ را که همان تزکیه و پرورش دادن به مردم بود آشکار می‌کند. تربیت کودک یکی از واجبات همگانی و خطیر والدین است و پایه‌های تربیتی یک فرد در خانواده نهاده می‌شود. بهترین دوران برای تربیت هر فرد، دوران کودکی است (هفت سال اول)؛ زیرا در این سنین هم ذهن کودک از دانش و آگاهی تهی است و هم قلب او به صفات ناپسند آلوده نشده است و هنوز شخصیت او شکل نگرفته است. دین اسلام دستورالعمل تربیتی و شیوه برخورد با هر مرحله از تربیت را نشان داده است. احادیث ائمه علیهم‌السلام و روایات بر حاکمیت، آزادی و سیادت کودک در هفت سال اول تأکید می‌کند. یکی از مشهورترین احادیثی است که از پیامبر ﷺ در این عرصه آمده عبارت است از: «الولد سید سبع سنین وعبد سبع سنین و وزیر سبع سنین؛ فرزند هفت سال آقا است، هفت سال بنده و هفت سال وزیر و دستیار است» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۵/۱۹۵).

مرحله نخست تربیت فرزندان، مرحله سیادت است و حرف اول و آخر آن آزادی مطلق کودک است؛ زیرا کودک در این دوره به نیازهایی احتیاج دارد و ویژگی‌های روان‌شناختی خاصی دارد. دکتر حسینی‌زاده و داوودی (۱۴۰۲) در بخشی از کتاب سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام به اهمیت اصل محبت و امنیت و احترام کودک پرداختند، اما در دهه‌های آخر، بررسی‌ها حاکی از این است که پژوهش مستقلی به صورت جامع و کلی پیرامون سیادت کودک و تفسیر علت آن از روایات اهل بیت و براساس علم روان‌شناسی و خصایص این مرحله نگارش نشده است. اگر والدین از ویژگی‌ها و خصوصیات این دوره طلایی آگاه باشند و به آن توجه ویژه کنند و تلاش کنند تا چگونگی برخورد کردن با او را بیاموزند فرزند یا فرزندان علاوه بر فردی مؤدب و برخوردار از سلامت و امنیت روانی و جسمی امکان پیشرفت در مسیر معرفت خدا و سیر به سوی خدا را دارند. آنها با ارزش‌ترین نسل را برای جامعه تولید می‌کنند که باعث پیشرفت جامعه می‌شود. والدین با تربیت صحیح علاوه بر اثرات مثبت تربیتی بر روی کودک از ثواب اخروی هم برخوردار می‌شوند. حال اگر از تربیت کودک در این دوره غفلت شود و اگر والدین از اصول و روش‌های صحیح تربیتی بهره‌گیرند ضربه‌ای غیرقابل ترمیم به جامعه وارد می‌شود. همچنین در دوره

نوجوانی دچار مشکلات و سختی‌های زیاد خواهند شد و آن فرد تربیت نشده باری بر دوش جامعه خواهد بود نه بازوی کمکی برای توسعه آن. مطالعه حاضر با مشخصه تفسیرگرایی از نظر هدف، تحقیقی بنیادی-کاربردی و کیفی-تحلیلی و توصیفی است. اطلاعات پژوهش از روش کتابخانه‌ای به دست آمده است. پژوهش حاضر پیرامون ویژگی‌ها و خصوصیات کودک در دوره سیادت با بررسی یافته‌های نوین در زمینه‌های روان‌شناسی صحبت می‌کند. همچنین به بررسی نظریات و آرای معتبر علما و اندیشمندان مسلمان و احادیث و روایات اهل بیت علیهم‌السلام و یافتن ارتباط میان آنها می‌پردازد.

۲. مفهوم‌شناسی

۱-۲. سیادت

برای کنترل مطالعه مفهوم ابتدا باید آن را از نظر زبان‌شناسی شناخت. تعریف لغوی مفهوم سیادت به شرح زیر است: کلمه سیادت در اصل کلمه‌ای عربی است از ماده سَوَد و فعل ساد (ساد: یسود). سیادت یعنی، عزت، جلال، سروری، شرف یافتن. سیادت نوعی شرافت معنوی، عظمت و بزرگی است و سید به کسی می‌گویند که مالک، ارجمند، نیکوکار، سخاوتمند و حلیم است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۴۳۲) پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «السَّيِّدُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛ سید خداوند تبارک و تعالی است». این دلالت بر این است که فقط خداوند شایسته سیادت، مالکیت و حاکمیت بر جهان و خلق است (ابن منظور، ۱۴۰۵، ص ۲۲۹). ایشان در حدیث دیگری می‌فرماید: «أَنَا سَيِّدٌ وَلَدَ آدَمَ وَلَا فَخْرَ؛ من سید و مولای فرزندان آدم هستم و هیچ فخری نیست» (رازی، ۱۳۸۷، ص ۴۲۹). خداوند متعال در قرآن درباره حضرت یحیی علیه‌السلام می‌فرماید: «وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران: ۳۹). در این مورد منظور از سید کسی است که در نیکی سرآمد باشد، پس در زبان عربی، سید به معنای اعتلای قدرت، مقام، شرف و منزلت است و دلالت بر این دارد که فلانی ارباب و پیشوای قوم خود است (العلوی و دیگران، ۲۰۱۴، ص ۴۱).

۲-۱. خصوصیت و اهمیت دوره سیادت

مرحله هفت سال اول مرحله سرگرمی و بازی کودک است. به همین دلیل، رسول اکرم ﷺ او را سید معرفی کرده است؛ زیرا کودک در این سن به دلیل محدود بودن توانایی های فکری و ذهنی و وقف او در این مرحله به کمال خود که همان بازی و سرگرمی است در بسیاری از اعمال سرزنش نمی شود. بچه ها مثل بذر و دانه هستند که با مواظبت، ریشه آنها محکم می شود و در آسمان شاخه می دهند و گرنه درخت بدی خواهند بود که از زمین کنده شده و استواری ندارد. برای همین، این دوره سنی از عمر کودکان بسیار حساس و مهم است. لقمان به پسرش می گوید: «ای پسر! اگر در کودکی ادب آموختی در بزرگی سودش را می ببری. هرکس آهنگ ادب کند به آن اهتمام می ورزد و هرکس بدان اهتمام ورزد زحمت دانستن آن را تحمل می کند و هرکس زحمت دانستن آن را بپذیرد جست و جوییش (در پی دانش) زیاد می شود و هرکس جست و جوییش زیاد شود سودش را درمی یابد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۹۴/۲۴۳). این حدیث بیانگر آن است که تربیت باید از کودکی شروع شود تا اثر خود را نشان دهد. امام علی (ع) می فرماید: «العلم من الصغر کالنقش فی الحجر؛ دانش از کودکی مانند حکاکی روی سنگ است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۲۴/۱).

در این حدیث، وجه شبه در تشبیه دانش در کودکی به حکاکی در سنگ این است که حکاکی آن، ثابت و پایدار است و هیچ وقت کم رنگ نمی شود؛ زیرا کودک در اوایل کودکی بسیار تأثیرپذیر است. از دیدگاه شهید مطهری یکی از اصول مهم تربیت این است که لزوم آغاز تربیت از کودکی است و می فرماید: «انسان در کودکی بسیار انعطاف پذیر است و به راحتی تربیت می شود با رشد انسان انعطاف پذیری و تربیت پذیری او کاهش می یابد. ازسوی دیگر تربیت در کودکی ماندگارتر است» (مطهری، ۱۳۸۲، ص ۵۶). مسکویه معتقد است که کودک باید پیش از آنکه به رفتار، صفات و عقاید ناپسند خو بگیرد به تربیت او همت گماشت؛ زیرا زدودن این امور از شخصیت او و آراستن وی به رفتار، صفات و عقاید مطلوب کاری بس دشوار است (مسکویه، ۱۳۷۱، ص ۶۵).

۳. ویژگی‌ها و نیازهای کودک در هفت سال اول

انسان در هر مرحله از مراحل سنی، مجموعه‌ای از ویژگی‌ها و نیازها دارد که باید به آن بسیار توجه شود. در دوره نخست کودک ویژگی زیستی، عاطفی و روان‌شناختی ویژه‌ای دارد. توانمندی ذهنی و شناختی او ویژگی‌های خاصی دارد. در روان‌شناسی رشد و تحول به تبیین دوره کودکی و ویژگی‌های زیستی و شخصیتی این دوره پرداخته می‌شود. از چشم‌انداز اسلامی این دوره سن سیادت و آقایی کودک است (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۴۷۶/۲۱). از والدین انتظار می‌رود از سبک فرزندپروری ویژه این دوره بهره‌گیرند و هم‌تراز با ویژگی‌های این دوره با آنها ارتباط برقرار کنند (پناهی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۶). کودک علاوه بر نیازهای غریزی و طبیعی (نیاز به آب و غذا) نیازهای عاطفی، اجتماعی، شناختی و غیره نیز دارد. نیاز به آزادی، بازی، محبت، احترام و تکریم تشویق و تحسین، امنیت تجارب جدید و ارضای حس کنجکاوی و استقلال از مهمترین و حساس‌ترین نیازهای کودک در هفت سال اول است که باید از همان ابتدایی‌ترین مراحل زندگی کودک برآورده شوند و تحقق آنها به میزانی کمتر یا بیشتر در سراسر بزرگسالی ادامه یابد.

۳-۱. نیاز به آزادی

اریک فروم در تعریف آزادی می‌گوید: «وقتی آدمی به دنیا می‌آید ناتوان‌ترین و درمانده‌ترین جانور است و انطباقش با طبیعت براساس آموختن است نه برپایه آنچه غرایز تعیین می‌کنند. در جانوران عالی‌تر به خصوص در انسان، غریزه مقوله‌ای روبه کاستی و بلکه نیستی است و هستی انسان از هنگامی آغاز می‌شود که عدم تثبیت اعمال با غرایز از حد معینی تجاوز کند و با طبیعت خاصیت اجباری خود را از دست بدهد و دیگر طرز عمل با مکانیسم‌هایی به ارث رسیده، تعیین نشود. به عبارت دیگر از همان ابتدا هستی، انسان و آزادی غیرقابل جدایی هستند». (فروم، ۱۳۸۱، ص ۴۵) به هر حال، آزادی و انتخاب آزادانه است که زندگی و شخصیت انسان را به زندگی و شخصیت انسانی تبدیل می‌کند (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۸).

اریک فروم معتقد است که آنچه به هستی انسان کیفیتی خاص می‌بخشد، آزادی است. (فروم، ۱۳۸۱، ص ۳۷) آزادی یکی از مهمترین نیازهای کودک با خاصیتی پرشمار است، اما آزادی

چهارچوب و خطوط قرمز دارد که نباید از آنها تجاوز کرد. این حدود به دو کار تقسیم می‌شود: کار خطرناک مثل بازی با چاقو و کار زشت مثل بازی با آلت تناسلی. وظیفه والدین این است که نباید به بهانه آزادی به کودک اجازه کار زشت و خطرناک بدهند. گاهی تا سنین نوجوانی و جوانی هم عادتشان را ترک نمی‌کنند (عباسی ولدی، ۱۳۹۴، ص ۴۱). آیت‌الله دکتر بهشتی نیز در این زمینه در خطاب به والدین می‌فرماید: «سایه لطف و مرحمتتان را بر سر بچه‌ها طوری بگسترید که بچه آدم باقی بماند؛ همین. نمی‌گوییم سایه خود را از سر آنها کم کنید، خدا نکند. می‌گوییم به بچه‌ها میدان عمل آزادانه بدهید آخر این هم شد زندگی. حالا که زندگی‌ها قدری ابزار و آلات زیاد هم پیدا کرده و امصیبتا بچه‌های آن روز اقلا در حیاط می‌توانستند یک جفتک چارتکی بازی کنند، ولی به بچه‌های حالا بر طبق آن روش اول باید دائما گفت بچه نکن!، بچه توپ نزن گل می‌شکند» (بهشتی، ۱۳۸۶، ص ۲۰).

یکی از اصول تربیت از دیدگاه شهید مطهری، هدایت و آزادی است. ایشان معتقد است که اصل آن است که والدین، فرزند را هدایت کنند و بر رفتار او نظارت و اشراف داشته باشند و به او آزادی نسبی بدهند تا با تحمل بار مسئولیت رشد کند. (مطهری، ۱۳۸۶، ص ۱۸۱) والدین باید به این نکته‌های ظریف و دقیق توجه کنند تا اشتباهی در تربیت کودک ایجاد نشود.

آزادی، نیازی طبیعی و فطری است و آثار فراوانی دارد. ایجاد رابطه عاطفی میان کودک و والدین تخلیه انرژی و رسیدن به آرامش، دستورپذیری، پاسخ به حس کنجکاوی و کمک به استقلال کودک از نتایج و آثار برآوردن این نیاز مهم است. خداوند کودک را به گونه‌ای آفریده است که وقتی کسی به تاج و تخت پادشاهی او احترام می‌گذارد پس از گذشت هفت سال آماده واگذاری این تاج و تخت شده و دوست دارد بندگی کسی را کند که به او آزادی داده است. از همین روست که پس از این هفت سال مہیای آموزش‌پذیری می‌شود (عباسی ولدی، ۱۳۹۴، ص ۴۹). بنابراین، اگر والدین به نیازهای کودک در هفت سال اول توجه کنند در مراحل متقدم تربیت با ناهنجاری‌ها، ممانعت‌ها و سختی‌ها مواجه نمی‌شوند. شرارت، لجاجت، افسردگی، ترس، ازبین رفتن برخی از علاقه‌های مثبت، مخفی‌کاری و ازبین رفتن اقتدار والدین، برخی از

ناهنجاری‌هایی است که به دلیل عدم توجه به نیازهای اساسی کودکان از سوی والدین به وجود می‌آید.

۳-۲. نیاز به بازی

ساده‌ترین تعاریفی که از بازی ارائه شده عبارت است از: بازی هر کاری است که مایه سرگرمی باشد. (حسینی دشتی، ۱۳۷۶، ۲۸/۳) خوب است در همین ابتدا برای پی بردن به اهمیت این نیاز به داستانی که یکی از اصحاب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کند، توجه کرد. «روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به نمازی فراخوانده شد. ایشان درحالی که نوه خویش امام حسن مجتبی علیه السلام را در آغوش گرفته بود به سوی مسجد رفت. حضرت پیش از نماز امام حسن مجتبی علیه السلام را از آغوش خود پایین آورد و در کنار خود روی زمین گذاشت. نماز آغاز شد و وقتی حضرت به سجده رفت سجده ایشان طول کشید. من در میان جمعیت بودم که سر از سجده برداشته و دیدم امام حسن مجتبی علیه السلام بر کتف رسول خدا صلی الله علیه و آله سوار شده است. وقتی سلام نماز داده شد مردم به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفتند در این نماز سجده‌ای کردی که تابه حال چنین سجده‌ای از تو ندیده بودیم گویا وحی بر تو نازل شده بود. حضرت فرمود: نه وحی بر من نازل نشده بود، اما فرزندم بر دوش من سوار شده بود و من هم خوش نداشتم عجله کنم تا او از دوشم پایین بیاید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۹۴/۴۳). شیوه برخورد پیامبر صلی الله علیه و آله نشان می‌دهد که چه اندازه کودک به بازی نیاز دارد.

امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: «بگذار فرزندت هفت سال بازی کند، هفت سال تربیت شود و هفت سال او را با خود همراه بدار». (کلینی، ۱۳۶۳، ۴۴۱/۱۱) این حدیث به صراحت اهمیت بازی کودک به ویژه در این دوره زمانی را بیان می‌کند. اگر والدین به این نیاز اهمیت بدهند و تلاش کنند تا آن را برآورند ثمرات بی نظیری به دست خواهند آورد. رشد اجتماعی کودک یکی از نتایج بسیار مهم است که از مشارکت گرم و صمیمی کودک با همبازی‌ها سرچشمه می‌گیرد. کاپلان می‌گوید: «بسیاری از تعاملات میان فردی کودکان پیش دبستانی در چهارچوب بازی روی می‌دهد و روابط کودکان با والدین، خواهر، برادر و همسالان در مقطع پیش دبستانی به شدت متحول می‌شود» (کاپلان، ۱۳۸۱، ص ۵۵۱). بازی بهترین وسیله برای رشد و شکوفایی

احساسات کودک و بهترین راه برای پرورش هیجان‌ها و عواطف اوست. هنگام بازی است که او چگونگی بروز عواطف و کنترل و ارضای مناسب آن را یاد می‌گیرد. هرچند کودک بین واقعیت و بازی فرق قائل است، ولی صداقت کودکانه را در بازی ظاهر می‌کند. احساس‌ها، تشویش‌ها و اضطراب‌های کودک در بازی حقیقی است (قریشی‌راد، ۱۳۷۶، ص ۱۰).

براساس تحقیقات تجربی، بازی و ورزش افزون بر تأثیر بر روی سلامت جسمانی در پیشگیری از ناهنجاری‌های روانی مؤثر است. بازی و استفاده از اسباب بازی، اعتماد به نفس کودک را افزایش می‌دهد، از اضطراب کم کرده و عزت نفس و خودپندارنده مثبت را تقویت می‌کند. بازی سبب اجتماعی شدن، ایجاد استقلال، آموزش مهارت‌های ارتباطی، استحکام روابط خانوادگی و سهولت در دوستیابی می‌شود. کودک با بازی کردن با دیگر کودکان و با استفاده از اسباب بازی‌های خود، تنهایی خود را به صورت مطلوبی از بین می‌برد. همچنین در بازی، انرژی اضافی خود را تخلیه می‌کند و نیروی تازه می‌گیرد. بازی باعث رشد عناصر و مؤلفه‌های شخصیت می‌شود و الگوهای رفتاری سیستم شناختی و کلیت عاطفی شخصیت در فرایند بازی و استفاده از اسباب بازی پایه‌ریزی می‌شود. (شجاعی، ۱۳۸۵، ص ۲۴) این اثرات سازنده برای هر بازی و سرگرمی نیست، بلکه برای بازی مفیدی است که ویژگی‌های خاصی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود. یکی از اصلی‌ترین ویژگی‌های بازی مفید، مشارکت والدین در بازی است که باعث می‌شود پیوند عاطفی میان فرزند و والدین تقویت شود و کودک احساس امنیت کند. همچنین، در حد کودک بودن والدین در هنگام بازی که در آموزه‌های دینی و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز تأکید شده است. امیرمؤمنان (علیه السلام) فرمود: «من کان له ولد صباه؛ هرکسی بچه‌ای دارد، بچگی کند» (کلینی، ۱۳۶۳، ۵۰/۱). علاوه بر این، بازی باید بدون ترس و دغدغه فعال و همراه با حرکت، انتخابی نه تحمیلی و زمینه ساز خلاقیت باشد (عباسی ولدی، ۱۳۹۴، ص ۸۴) تا زمینه خلاق بودن کودک برای شکوفایی استعدادهای متعدد او فراهم شود.

۳-۳- نیاز به محبت

جایگاه و اهمیت محبت در دوره کودکی اهمیت دوچندانی دارد. اگرچه نیاز به محبت همگانی است، اما نیاز به محبت در کودک به دلیل ویژگی‌های روان‌شناختی خاص این دوره شدیدتر و بیشتر است. (پناهی، ۱۴۰۰، ص ۱۶۲) در آموزه‌های اسلامی و گزاره‌های دینی بر جایگاه محبت در تحقق فرزندپروری تأکید شده است به گونه‌ای که حتی ارتباط بصری مبتنی بر عواطف با فرزند عبادت دانسته شده است و از کسانی که نسبت به فرزند بی‌توجهی و کم‌محبتی دارند سرزنش شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «نگاه محبت‌آمیز پدر به صورت فرزند عبادت است» (نوری، ۱۴۰۸، ۱۷۰/۱۵). تقویت پیوند عاطفی بین فرزند و والدین در الگوگیری فرزند از والدین اثر مثبت دارد و نقش والدین در تقویت هنجارهای رفتاری فرزندان را پررنگ‌تر می‌کند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «هرکس در سخن گفتن نرم باشد و آرام سخن گوید محبت او در دل‌ها جای گیرد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۹۶/۶۸). روشن است کلام هر محبوبی شنیدنی و پذیرفتنی است. پاسخ‌گویی درست و بهنجار به این نیاز، اساس و پایه تربیت او را تشکیل می‌دهد؛ زیرا ارضای این نیاز در کودک موجب آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین و حتی سلامت جسمی می‌شود. عدم تأمین نیازهای عاطفی فرزندان پیامدهای ناگواری دارد، پس باید نسبت به احساسات ارسال شده هوشیار بود و آن‌را شناخت و به آنها پاسخ مناسب داد (پناهی، ۱۴۰۰، ص ۱۶۲).

یکی از نکات مهم در مسئله محبت کودکان این است که تنها به محبت درونی بسنده نشود؛ زیرا محبت وقتی مؤثر و مفید خواهد بود که آن‌را ابراز و کودک از محبت آگاه شود وگرنه اصل محبت داشتن تنها برای محبت‌کننده می‌تواند مفید باشد نه برای محبت‌شونده. (حسینی‌زاده و داودی، ۱۴۰۲، ص ۴۲) ابراز محبت نکته‌ای است که ائمه به آن توجه کرده‌اند. امام کاظم علیه السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت می‌کند که فرمود: «هرگاه یکی از شما برادرش را دوست داشت این دوستی را به اطلاع او برساند که این کار برای دوستی و رابطه بین شما بهتر است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۸۲/۷۴).

ابراز محبت، روش‌ها و اشکال گوناگون دارند که توجه به آن موجب تجدد و ایجاد پیوند صمیمانه بین فرزندان و والدین می‌شود.

۳-۳-۱. بوسیدن فرزندان

یکی از اشکال ابراز محبت، بوسیدن فرزندان است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «فرزندان خود را ببوسید که برای هر بوسه درجه‌ای در بهشت به شما خواهند داد که فاصله هر درجه پانصد سال خواهد بود». (طبرسی، ۱۴۱۲، ص ۲۲۰)

۳-۳-۲. دست بر سر آنها کشیدن

در روایت آمده است: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هر روز صبح بر سر فرزندان و نواده‌های خویش دست محبت می‌کشید». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۹/۱۰۴)

۳-۳-۳. در بغل گرفتن و روی زانو نشاندن

امام باقر علیه السلام از امام حسین علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «من و برادرم نزد جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتیم. ایشان مرا بر زانوی چپ و برادرم حسن را بر زانوی راست خویش نشاند، سپس ما را بوسید و فرمود: پدرم به فدای دو فرزندی باد که امامند». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۳۶/۲۵۵)

۳-۳-۴. هدیه دادن به آنان و خوشحال کردن آنها

پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «کسی که دخترش را خوشحال کند مثل آن است که بنده‌ای از فرزندان اسماعیل را آزاد کرده باشد و کسی که پسرش را خوشحال کند مثل آن است که از ترس خدا گریسته باشد». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۹/۱۰۴)

۳-۳-۵. محبت کلامی و گفتاری

امام علی علیه السلام خطاب به فرزندش امام حسن علیه السلام می‌فرماید: «تو را جزئی از خود، بلکه همه وجود خود دیدم تا به آنجا که اگر چیزی به تو ضرر برساند مثل آن است که به من زیان رسانده و گویی اگر مرگ به سراغ تو بیاید به سراغ من آمده است. بنابراین، همان اهمیتی را که در اصلاح امور خود می‌نمایم درباره تو دارم». (سید رضی، ۱۳۷۸) روش‌های دیگر مانند وفای به عهد، شوخی و

بازی کردن با آنها، درکنار آنها خوابیدن تا سن خاصی، جزو شیوه‌های ابراز محبت به کودکان است. لازم به ذکر است که محبت حد و حدودی دارد و نباید به سوی افراط و زیاده‌روی کشیده شود. آثار منفی محبت بیش‌ازحد به کودک شاید از آثار منفی کمبود محبت بیشتر باشد. سلطه‌جویی، پرتوقعی کودک، نازپروردگی، ضعف روحی، زودرنجی و خودپسندی از آثار محبت بیش از اندازه به کودک است (حسینی‌زاده و داوودی، ۱۴۰۲، ص ۴۳).

۳-۴. نیاز به احترام و تکریم

انسان، گل سرسبد آفریده‌هاست و حرمت و کرامت ذاتی دارد که خداوند در نهاد و وجود وی قرار داده است. از بدو آفرینش، انسان محبوب‌ترین و شبیه‌ترین موجودات زنده به خداست؛ زیرا بویی از روح الهی دارد و صفات الهی در وی متبلور شده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْوُجُوهِ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ و به راستی ما فرزندان آدم را گرمی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا بر مرکب‌ها برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری بخشیدیم» (اسراء: ۷۰). این نوع کرامت در برخی از آیات مورد توجه بوده از جمله در سوره ص آیه هفتاد و دو (بروجردی، ۱۳۶۶، ۴۶۷/۳). کودکان بیش از دیگران از کرامت برخوردارند؛ زیرا از هرگونه آلودگی دنیوی و معنوی رهایی یافته‌اند، وجودشان سفید و پاک است و به خدا نزدیکتر هستند. غزالی، گوهر کودک را پاک و نفیس می‌داند که بر فطرت توحیدی زاده می‌شود. براین اساس است که وی احترام به کودک و رعایت جنبه‌های گوناگون حقوق او را مطرح می‌کند و کودک را به جرم کودک بودن از کودکی محروم نمی‌کند. کودک باید بازی کند، هنر آموزد، تربیت شود، تعلیم ببیند، اخلاق نیک فراگیرد، از محبت و احترام بزرگ‌ترها برخوردار شود. همه از جمله معلم و پدر و مادر موظف هستند حقوق او را پاس دارند و اگر نه این شود خون دین او بر گردن آنهاست (غزالی، ۱۳۷۴، ۱۰/۳). کودکان به دلیل برخورداری از این کرامت، احترامی بیشتر می‌طلبند. به همین دلیل یکی از اصول تربیتی و راهبردهای مهم تحقق اهداف فرزندپروری در دوره نخست کودکی، رعایت سروری و آقایی فرزندان است.

در سیره معصومان، تکریم و احترام کودکان به شیوه‌های مختلف انجام می‌شود مانند قیام و استقبال از فرزندان به هنگام ورود آنها به مجلس، سلام کردن به کودکان، با احترام صدا کردن کودکان، عیادت از کودکان مریض و... پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام ورود افراد به مجلس به احترام آنها بلند می‌شد و برای آنها جا باز می‌کرد، ولی در برابر فرزندان خود امام حسن علیه السلام، امام حسین علیه السلام و حضرت فاطمه علیه السلام افزون بر آن چند قدم نیز به استقبال می‌رفت. در روایتی آمده است: «پیامبر صلی الله علیه و آله نشسته بود. حسن و حسین علیه السلام به سوی آن حضرت آمدند. پیامبر صلی الله علیه و آله وقتی آنها را دید به احترام آنها ایستاد. چون به کندی حرکت می‌کردند پیامبر صلی الله علیه و آله به استقبال آنها رفت و آنها را بر دوش خود سوار کرد و فرمود: چه مرکب خوبی دارید و شما چه سواران خوبی هستید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۸۵/۲۳).

رعایت سروری کودکان و احترام و تکریم آنها احساس ارزشمندی، عزت نفس و رضایت درونی را موجب می‌شود. یکی از روان‌شناسان غربی نیاز به احترام را از نیازهای اساسی می‌داند و می‌گوید: «ارضای نیاز به احترام و محبوبیت به احساسات مثبتی مانند اعتماد به نفس، ارزشمندی، قدرت، لیاقت و شایستگی مفید و پرثمر بودن می‌انجامد» (پناهی، ۱۴۰۰، ص ۱۵۶). ارزش و اهمیت حرمت، تنها داشتن احساسی بهتر نیست، بلکه در مواجهه با چالش‌ها و بهره‌برداری از فرصت‌های مناسب در زندگی مانند عایق ضخیمی عمل می‌کند تا افراد در شرایط سخت و چالش‌های زندگی در امان بمانند (سیبرت، ۱۳۸۰، ص ۵۴). خوش رفتاری، رعایت ادب، وفای به عهد، همدلی، صمیمیت، مراقبت، محبت و سلام کردن به کودکان همگی از مصادیق و نمودهای تکریم و رعایت سروری کودکان است (آذربایجانی، ۱۳۸۲، ص ۲۶۴). حفظ حرمت و تکریم فرزندان در همه دوره‌های سنی مهم است. این امر در دوره کودکی و نوجوانی فرزند و زمان شکل‌گیری شخصیت او اهمیت بیشتری دارد. در سیره و کلام اهل بیت علیهم السلام حفظ حرمت و سیادت فرزندان و تکریم شخصیت آنها جایگاه ویژه‌ای دارد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «فرزندانتان را گرامی دارید و خوب تربیت کنید تا خداوند شما را بیامزد» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۴۷۶/۲۱).

از آثار مثبت دیگر احترام و تکریم کودکان تأثیر آن در خودپنداره اوست. خودپنداره در رفتار شخص تأثیر می‌گذارد؛ زیرا رفتار انسان‌ها براساس شناختی است که از خود دارند و این شناخت از خود با نگاه دیگران به انسان به دست می‌آید. بنابراین، بیشتر انسان‌ها به‌ویژه کودکان خود را چنان می‌شناسند که دیگران در رفتار خود با آنها می‌نمایانند و براساس این شناخت از خود عمل می‌کنند و اگر چنین نکنند دچار تضاد درونی، اضطراب و دلهره می‌شوند؛ زیرا انسان همواره به دنبال آرامش درونی است و این آرامش هنگامی است که رفتار بیرونی براساس شناخت درونی باشد. بنابراین، براساس شناخت از خود که از راه نگرش دیگران به او به دست آمده است، عمل می‌کند (حسینی‌زاده و داودی، ۱۴۰۲، ص ۵۱)، اما اگر والدین و مربیان کودک در دوران شکل‌گیری شخصیت او با بی‌احترامی، تحقیر، سرکوفت و سرزنش با وی رفتار کنند شخصیت کودک به صورت دلیل حقیر وابسته و منفی شکل می‌گیرد و اگر با احترام و بزرگی با او رفتار کنند شخصیت او به صورت شخصیتی عزیز، مستقل و مثبت شکل می‌گیرد و در خود به دیده احترام می‌نگرد و رفتارش نیز براساس آن رفتاری سالم، مثبت و بهنجار خواهد بود (حسینی‌زاده و داودی، ۱۴۰۲، ص ۵۱). برخی روان‌شناسان انگیزه اصلی فعالیت‌های انسانی را احساس حقارت و عزت نفس در او می‌دانند. این احساس در انسان با رفتار دیگران با او شکل می‌گیرد. آدلر در این باره می‌گوید: «انگیزه اصلی و محرک اولیه هرنوع فعالیت در انسان دو عامل احساس حقارت و احساس برتری جویی است» (هاشمی، ۱۳۷۲، ۱/۱۸۱) حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «کسی که نفسش بر وی خوار شد امید نیکی از او نداشته باش» (حرانی، ۱۳۶۲، ۱/۴۸۳). باتوجه به اهمیت و ضرورت برطرف کردن این نیاز مهم کودک، والدین باید با تمام وجود در تکریم این مخلوق الهی تلاش کنند و او را تحقیر نکنند تا در دایره امنیت بمانند و با عواقب ناگوار عدم رعایت این اصل مواجه نشوند.

۳-۵. نیاز به استقلال

نیاز به استقلال یکی از نیازهای کودک است که در زیر پرده دوره نخست کودکی قرار می‌گیرد. دوره سیادت حکم می‌کند که با کودک به گونه‌ای رفتار شود که گویی فردی سید، با عزت نفس و کرامت



ذاتی است و این مستلزم آن است که استقلال او رعایت شود. آزاد گذاشتن کودک یکی از اولین راه‌های استقلال دادن به اوست. وقتی کودک در همان حدودی که مشخص شد در محیط خانه رها شود و کسی در کارش دخالت نکند و به هر بهانه‌ای او را امر و نهی نکند از همان کودکی استقلال و ایستادن روی پای خود را تجربه می‌کند. (عباسی ولدی، ۱۳۹۴، ص ۵۳) این به صراحت گواه بر این است که نیازهای کودک به یکدیگر مرتبط و غیرقابل جدایی هستند. پس باید همه آنها را تأمین کرد و باید برای اطمینان از تأمین آنها به بهترین شکل ممکن تلاش کرد؛ زیرا اگر نیاز معینی تأمین شود و دیگری نه این به طور کلی بر کل فرایند تربیت تأثیر می‌گذارد.

۳-۶. نیاز به امنیت

امنیت از نیازهای اساسی هر انسان به‌ویژه در دروان کودکی است که انسان بیشتر وابسته به دیگران است و از خود استقلال چندانی ندارد. احساس ترس و ناامنی در کودک جرئت، جسارت و خلاقیت را از او سلب می‌کند. ترس و نگرانی از بازخواست و انتقاد والدین و مربیان باعث می‌شود که کودک نوآوری و ابداع نکند و همواره احساسات و عواطف خود را سرکوب کند. این امر افزون بر اینکه کودکان را از ابتکار، نوآوری و خلاقیت باز می‌دارد موجب عوارض و نابسامانی‌های روانی در آنها می‌شود. (حسینی زاده و داودی، ۱۴۰۲، ص ۴۵) بنابراین، باید از سرزنش کودک و امر و نهی زیاد که با اصل سیادت سروری و آقای کودک ناسازگار است، پرهیز کرد. همسو بودن انتظارات والدین با شیوه‌های تربیتی آنها چه سخت‌گیرانه و چه آسان‌گیرانه، حس ایمنی کودک را افزایش می‌بخشد و چارچوبی قابل پیش‌بینی و مطمئن را در اختیار او قرار می‌دهد (پرینگل، ۱۳۸۶، ص ۶۲)، پس تقویت پیوند عاطفی میان والدین و میان آنها و فرزندانشان از راهکارهای اساسی برآوردن نیاز امنیت است.

۳-۷. نیاز به تجارب جدید و ارضای حس کنجکاوی

کنجکاوی کودک یکی از ویژگی‌های طلایی اوست. کودکان وقتی با اشیاء مختلف در خانه بازی می‌کنند، دوست دارند ببینند چه اتفاقی می‌افتد. این اتفاق‌ها برای آنها تجربه‌های جدیدی

محسوب می‌شود که علاوه بر لذت بردن به آگاهی آنها نیز اضافه می‌کند. کودکان در این کنجکاوی نوع برخورد با محیط اطراف خود را یاد می‌گیرند. (عباسی ولدی، ۱۳۹۴، ص ۵۰) تجارب جدید، کودک را قادر می‌کند تا یکی از مهمترین درس‌های سال‌های اولیه زندگی را که ماهیتی اساسی دارد، بیاموزد و آن اینکه یاد بگیرد چگونه بیاموزد و علاوه بر لذت یادگیری، بیانگر وجود حلقه‌ای ارتباطی بین عاطفه و یادگیری بین تجارب شناختی و عاطفی است. شایستگی و توانایی به‌خودی‌خود پاداش‌دهنده است و خشنودی مادر یا دیگر بزرگسالان به دلیل اکتساب مهارت جدید میل کودک را برای جست‌وجو و تسخیر زمینه‌های جدید به میزان بیشتری تقویت می‌کند (پرینگل، ۱۳۸۶، ص ۷۰). بنابراین، کودکان را باید آزاد گذاشت تا تجارب جدید در زندگی را امتحان کنند و حس کنجکاوی آنها تأمین شود، سپس بلافاصله زمینه یادگیری و آموزش در وجود آنها ایجاد می‌شود و از هوش‌های مختلف مانند هوش عاطفی، اجتماعی و غیره برخوردار می‌شوند.

۳-۸. نیاز به تحسین و تشویق

نیاز به تشویق، تحسین و قدردانی از نیازهای اساسی کودکان در دوره سیادت است و در شکل‌گیری شخصیت آنها بسیار مؤثر است و نقش مهمی دارد؛ زیرا باعث ایجاد انگیزه برای تکرار و تمرین آن رفتار مطلوب یا گفتار پسندیده می‌شود تا درنهایت در نهاد کودک عادت و ملکه شود. تشویق، ارضاکننده نیازهای دیگر انسان است. تشویق موجب اعتقاد و اعتماد بیشتر شخص به نتیجه عمل فرد می‌شود و مشوق و انگیزه بیشتری برای انجام عمل در وی فراهم می‌آید. تشویق به‌صورت‌های گوناگون گفتاری، کلامی، عملی و فعلی می‌تواند انجام شود. در تشویق‌های گفتاری و کلامی فرد با سخن و گفتار خود، رفتار متربی را تأیید می‌کند. کلماتی مانند احسنت، آفرین، بارک‌الله چه کار خوبی، به به و... هرکدام بار معنایی خاصی دارند و به‌طوری‌که در متربی تأثیر می‌گذارند. تشویق‌های عملی نیز در قالب‌ها و صور گوناگونی انجام می‌شود مانند نگاه همراه با لبخند و نشاط، بوسیدن، هدیه دادن، با او همراه شدن و غیره. (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۵، ص ۱۵۹) در سیره پیامبر ﷺ و ائمه معصومین ﷺ استفاده از تشویق به چشم می‌خورد. پیامبر اکرم ﷺ بین حسن و حسین ﷺ مسابقه دو برگزار کرد و در پایان هردو را در بغل گرفت و تشویق

کرد و برنده را بر زانوی راست خود نشاند و دیگری را بر زانوی چپ (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۵، ۲۷/۱۶). بنابراین، باید به نیاز کودک به تحسین توجه کرد و با استفاده از روش تشویق در قالب‌های گوناگون، استعدادهای درونی کودک را رشد داد و به شکوفایی سوق داد تا با نظری خوب و خوش‌بینانه به پدر و مادر و دیگر اطرافیان بنگرند و آنها را دوست و همدم و یار صمیمی خود تلقی کنند، تقویت روحی به دست آورند و به سوی کمال برسند.

۴. نتیجه‌گیری

اسلام و تعالیم دینی به همه مراحل زندگی و رشد انسان توجه ویژه‌ای دارند و برای هرکدام راهکارها و دستورالعمل تربیتی درخور با فطرت انسانی تبیین کردند. اسلام اهتمام خاصی به دوره نخست زندگی انسان و سال‌های طلایی اول کودکی دارد؛ زیرا دوره سیادت، سنگ بنای مراحل دیگر تربیت است و اگر والدین، تربیت فرزند را از اول به بهترین وجه انجام دهند و نیازهای اساسی وی مانند آزادی، بازی، احترام، امنیت، استقلال، محبت و غیره را برآورند روند تربیت آسان و عاری از چالش‌ها و بحران‌ها می‌شود. برخی از والدین در فضای جامعه، تربیت را به افراط یا تفریط می‌کشانند. افکار نادرست مانند رها شدن کودک به‌طور کامل و و آزادی بیش‌ازحد در فضای فکری متولیان امر تربیت، تربیت را با خطاهایی مواجه می‌کند که گاهی جبران‌ناپذیر است. امر و نهی در تربیت، روشی مطلوب و لازم است، اما در دوره سیادت باید کمتر و فقط در جاهای مناسب استفاده شود. اگر والدین الگو و نمونه عملی رفتارها، گفتارها و صفات پسندیده‌ای باشند که می‌خواهند در فرزندشان بکارند فرزندان با تقلید، محاکات، تکرار و تمرین این رفتارها ناخودآگاه آن رفتارهای شایسته را در نهاد خود ایجاد، تقویت و تثبیت می‌کنند.

فهرست منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبه الله (۱۳۸۵). شرح نهج البلاغه. محقق: محمد ابوالفضل ابراهیم. بیروت: دار احیاء الكتاب العربی.
۲. ابن منظور رویفعی انصاری خزرچی، محمد بن مکرم بن علی بن احمد بن ابی القاسم بن حقه بن منظور (۱۴۰۵). لسان العرب. قم: نشر ادب الحوزه.
۳. آذربایجانی، مسعود (۱۳۸۲). روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. بروجردی، سید محمد ابراهیم (۱۳۶۶). تفسیر جامع. تهران: انتشارات صدره.
۵. بهشتی، محمد (۱۳۸۶). نقش آزادی در تربیت کودکان. تهران: بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید آیت الله دکتر بهشتی.
۶. پرینگل، میالی لی کلمر (۱۳۸۶). نیازهای کودکان دورنمای فردی. مترجم: ایجادی، نیره. و شافعی مقدم، جواد. تهران: رشد.
۷. پناهی، علی احمد (۱۴۰۰). سبک فرزندپروری با رویکرد اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۸. حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۹۵). درآمدی بر نظام تربیتی اسلامی. قم: انتشارات مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی ﷺ.
۹. حرانی، ابن شعبه (۱۳۶۳). تحف العقول. مصحح: غفاری، علی اکبر. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۱۰. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسایل شیعیه. قم: آل البيت.
۱۱. حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۷۶). معارف و معاریف. قم: انتشارات دانش.
۱۲. حسینی زاده، سید علی. و داودی، محمد (۱۴۰۲). سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. رازی، نجم الدین (۱۳۸۷). مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد. مصحح: علیزاده، عزیزالله. تهران: انتشارات فردوس.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین (۱۴۱۲). المفردات الفاظ القرآن. بیروت: الدار القلم.
۱۵. سیبیرت، ال (۱۳۸۰). راز کامیابی در بحران های زندگی. مترجم: برجسته، امین. کرمان: انتشارات خدمات فرهنگی کرمان.
۱۶. شجاعی، محمد صادق (۱۳۸۵). بازی کودک در اسلام. قم: مؤسسه بوستان کتاب.
۱۷. شریف رضی، محمد بن حسین (۱۳۷۸). نهج البلاغه. مترجم: شهیدی، جعفر. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲). مکارم الاخلاق. قم: شریف رضی.
۱۹. عباسی ولدی، محسن (۱۳۹۴). من دیگر ما مهارت های تربیت فرزند در دنیای امروز. قم: آیین فطرت.
۲۰. العلوی، یاسر وآخرون (۲۰۱۴). معجم المصطلحات السیاسیه. بحرین: معهد البحرين للتنمية السیاسیه.
۲۱. غزالی، محمد بن محمد (۱۳۷۴). کیمیای سعادت. مترجم: خدیوچم، حسین. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۲. فروم، اریک (۱۳۸۱). گریز از آزادی. مترجم: فولادند، عزت الله. تهران: انتشارات مروارید.
۲۳. قریشی راد، فخرالسادات (۱۳۷۶). اولین کتاب کودک در بازی درمانی. تبریز: احرار.
۲۴. کاپلان، پاول اس (۱۳۸۱). روان شناسی رشد. مترجم: فیروزبخت، مهرداد. تهران: رسا.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۶. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا.
۲۷. مسکویه رازی، احمد بن محمد بن یعقوب (۱۳۷۱). تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق. قم: بیدار.

۲۸. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸). بیست گفتار. تهران: صدرا.
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۳). قرآن کریم. قم: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۳۱. نوری، حسین (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه ال البيت علیه السلام.
۳۲. هاشمی، سید مجتبی (۱۳۷۲). تربیت و شخصیت انسانی. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.